



ویژه‌نامه قدس
به‌مناسبت سالگرد
رحلت بنیان‌گذار
انقلاب اسلامی

۱۴

گفت‌وگو با هادی حکیمیان، نویسنده‌ای که در «روح‌الله» تلاش کرده
روایتی مستند از زندگی امام خمینی (ره) ارائه دهد

چالش روایت آن که عارف، فیلسوف، شاعر، فقیه و رهبر بود

دیدن عنوان «روح‌الله» روی جلد کتاب و اینکه «روایت مستند زندگی امام خمینی (ره)» است، شاید در نظر اول همان تلقی رایج در خصوص کتاب‌هایی از این دست را به ما بدهد؛ اینکه «روح‌الله» قرار است وقایع زندگی رهبر بزرگ‌ترین انقلاب معاصر را در یک سیر ترتیبی و با محوریت رخدادها بر جسته‌ای که کمابیش در خصوصش شنیده‌ایم، روایت کند. اما خواندن همان فصل اول کافی است تا بفهمیم «روح‌الله» چقدر با این ذهنیت‌ها بیگانه است. هادی حکیمیان در مقام نویسنده این اثر، نه تنها سیر وقایع را در روایت زندگی امام خمینی (ره) کاملاً به هم زده، بلکه ماجراهایی را در دل این روایت گنجانده که نه به گوشمان خورده و نه جایی، پیشتر کسی از اهمیت‌شان در نسبت با زندگی «حاج آقا روح‌الله» برآیمان گفته است. روایت حکیمیان نسبت به آنچه گمان می‌کنیم کم و بیش در مورد زندگی امام می‌دانیم، متفاوت است و آشنایی‌زدایی می‌کند. علاوه بر این، نویسنده از کنار هر آنچه اندک نسبتی با امام خمینی (ره) دارد، ساده عبور نمی‌کند. او ردپای هر اندیشه و شخصیت تأثیرگذار در زندگی حاج آقا روح‌الله را پی گرفته و تلاش کرده به بهانه‌های مختلف راوی روایت دست‌اولی از نقش آن‌ها در زندگی ایشان باشد. به همین دلیل خواننده هم اطلاعات نابی از خود این اندیشه‌ها، شخصیت‌ها و ماجراهای تاریخی بدست می‌آورد و هم از نقش و نسبت‌شان با زندگی حاج آقا روح‌الله. خودش می‌گوید نوشتن کتاب چهار سال طول کشیده و عمده کتاب‌ها، اسناد و خاطراتی که در روایتش از آن‌ها بهره برده را در سال‌هایی که دانشجوی تاریخ بوده، مطالعه کرده است. شاید همین موضوع نیز سبب شده روایتش یک‌طرفه نباشد و راوی جزئیات کشمکش‌ها و دغدغه‌های حاج آقا روح‌الله در روایت او، افراد مختلفی باشند. درباره جزئیات کشمکش‌ها و دغدغه‌های حاج آقا روح‌الله، افراد مختلفی حرف می‌زنند، از شازده‌های قجری بگیرد تا نویسندگان و روشنفکران یک سده اخیر ایران و حتی خود پهلوی‌چی‌ها و افرادی چون محمدرضا شاه. رسیدن به ایام سالگرد رحلت بنیان‌گذار انقلاب اسلامی سبب شد درباره کشمکش‌ها و دشواری‌های روایت کردن حضرت امام (ره) با او گفت‌وگو کنیم.

■ بخواهیم در مورد تصویری که رسانه‌ها، حالا چه مکتوب و چه دیداری و شنیداری از امام نشان می‌دهند صحبت کنیم، این‌گونه به نظر می‌آید نوعی ساده‌سازی و روایت تخت و بدون پیچیدگی از حضرت امام (ره) وجود دارد، اما در کتاب شما ماجرا فرق می‌کند؛ جزئیات فراوانی را می‌بینیم که باید در روایت سیر زندگی امام به آن‌ها توجه داشت یا ردپای تأثیر بسیاری از افراد و اندیشه‌ها را دنبال کرد؛ نظر خودتان در این خصوص چیست؟

نه در کتاب‌ها و نه در رسانه، تصویر خوب و کاملی از امام (ره) یا به عبارتی تصویر درست و صریحی ارائه نشده است. شما همین وجه سیاسی شخصیت تاریخی امام را ببینید، عمده کتاب‌های تاریخی که از دبستان تا دانشگاه نوشته شده‌اند و حتی صداوسیما و رسانه‌های ما امام را جوری معرفی می‌کنند که انگار کنش سیاسی امام (ره) از سال ۴۲ آغاز می‌شود و در نهایت در سال ۵۷ به قله‌اش می‌رسد. در حالی که من یک مطالعه شخصی برای خودم داشتم و دیدم ایشان پیش از دهه ۴۰ چقدر فعالیت‌های سیاسی داشته و چقدر در جریان‌های سیاسی فعال بوده است. برایم جالب بود از اواخر دوران قاجار امام در مسائل سیاسی فعال و پیگیر بوده و بعد در دوران رضاشاه و پس از آن در ماجرای ملی شدن صنعت نفت و مانند آن نیز همین جور. بنابراین این‌طور نبوده که فعالیت‌هایش محدود به بازه سال ۴۲ به بعد باشد.

با مطالعاتم در این خصوص ابتدا تصمیم داشتم که یک مقاله با موضوع فعالیت‌های امام پیش از دهه ۴۰ داشته باشم ولی بعد دیدم خیلی زیاد است و در حد یک کتاب می‌شود. وقتی تصمیم به نوشتن کتاب گرفتم، دیدم می‌توان زندگی‌نامه ایشان را با یک حالت روایی و داستانی نوشت که مخاطب عام هم امکان ارتباط با اثر برایش فراهم باشد. اکنون که کتاب چاپ شده را مرور می‌کنم، می‌بینم خودم تازه به یک کلیاتی از زندگی و اندیشه امام (ره) رسیده‌ام.

ضمن اینکه در این کتاب به زندگی خصوصی امام نپرداختم و از ابتدا

پیش از آنکه به کتاب بپردازیم و اساساً خودتان درگیر کار نوشتن این کتاب شوید، تصویری که از حضرت امام (ره) در ذهن داشتید چطور بود؟ به‌طور کلی اشکالات روایتی را در پرداختن به شخصیت حضرت امام خمینی (ره) چه می‌دانید؟



در کتاب‌های درسی از دوران دبستان تا دانشگاه که اصلاً خوب پرداخته نشده است؛ نه به جریان انقلاب و نه شخصیت امام خمینی (ره). بالاخره شخصیت امام طوری است که حتی برای کسانی که مخالف انقلاب هستند یا افراد غیرمذهبی و ضدمذهب هم وجوهی از جذابیت را دارد، چرا که به هر ترتیب این شخصیت توانسته یک انقلاب را که از قضا دینی و مذهبی هم هست، رقم بزند.

امام (ره) با اتفاقی که با انقلاب سال ۵۷ رقم زد، الگویی برای انقلاب‌های دینی ارائه داد، آن هم در دورانی که مذهب یک جور تحجر و واپس‌گرایی تلقی می‌شد یا این‌طور گفته می‌شود که برای انقلاب باید دست به دامن استفاده از ایده‌های ناسیونالیستی شد یا اواخر می‌گفتند فقط مارکسیست می‌تواند انقلاب کند. در چنین شرایطی امام با تکیه بر مذهب نشان داد هم می‌توان انقلاب کرد و هم می‌توان حکومت شکل داد و آن را اداره کرد.

■ پس به نظرتان یک وجه شخصیت امام (ره) به همین اندیشه سیاسی ایشان برمی‌گردد.

بله، افراد زیادی را می‌بینیم که نظریه‌پرداز بودند و نظریه‌ای گفتند ولی توان اجرایش را نداشتند، ولی حضرت امام نظریه حکومت دینی را که مطرح می‌کند، در زمان حیات خودش آن را اجرایی می‌سازد. هم انقلاب می‌کند و هم تشکیل حکومت دینی می‌دهد و هم به مدت ۱۰ سال خودش آن را در بالاترین سطح اداره می‌کند. این نمونه بی‌مانندی است که کسی که نظریه‌ای در خصوص حکمرانی داده، خودش نیز آن را اجرا کرده است. شاید خیلی‌ها از انقلاب و اسلام و حکومت دینی خوششان نیاید، ولی بالاخره واقعیت را نمی‌توانند انکار کنند.

شخصیت امام طوری
است که حتی برای
کسانی که مخالف
انقلاب هستند یا
افراد غیرمذهبی و
ضدمذهب هم وجوهی
از جذابیت را دارد، چرا
که به هر ترتیب این
شخصیت توانسته یک
انقلاب را که از قضا
دینی و مذهبی هم
هست، رقم بزند.